

اعطای شخصیت حقوقی به عناصر طبیعت در پرتو توسعه پایدار

زهرا سادات شارق^۱

حسین رضازاده^{۲*}

h.rezazadeh@umz.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۱

چکیده

بعد از جنگ جهانی دوم مفهوم توسعه پایدار به منظور ایجاد تعادل میان حفاظت از محیط زیست و بهره‌مندی از حقوق بنیادین بشری از جمله حق بر توسعه مطرح شد؛ تا استیفای حق‌های بشری بهانه‌ای برای تخریب محیط زیست محسوب نگردد. در واقع بشر دریافت که هرگونه خسارت به محیط زیست در نهایت انسان و کرامت وی را دچار مخاطره می‌نماید و لذا در کنار عناصر اقتصادی و اجتماعی، پایداری زیست‌محیطی به‌عنوان یکی از عناصر توسعه پایدار مطرح و مورد شناسایی قرار گرفت. تحقیق حاضر به دنبال بررسی این مسئله است که چگونه برخی دولت‌ها با شناسایی شخصیت حقوقی برای عناصر طبیعت، در راستای پایداری زیست‌محیطی و در نهایت تحقق توسعه پایدار گام برداشته‌اند.

نوع پژوهش بنیادی است که به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و همچنین بهره‌گیری از منابع الکترونیک اعم از کتاب، مقاله، پایان نامه، کنفرانس‌های رسمی مرتبط با موضوع (منطقه ای و بین المللی) به زبان‌های فارسی و انگلیسی موجود صورت گرفته و پس از طرح مسئله و تبیین فرضیات، داده‌های مدنظر متناسب با سوال‌های پژوهش در اسناد و رویه‌های قضائی ملی و بین‌الملل (اعم از فارسی و لاتین) جستجو، جمع‌آوری، جمع‌بندی و مورد تحلیل قرار گرفته است.

در سال‌های اخیر یکی از اقداماتی که به منظور پایداری زیست‌محیطی اتخاذ شد شناسایی شخصیت حقوقی برای عناصر طبیعت بوده است. رویه برخی کشورها به خصوص از سال ۲۰۰۸ به بعد نشان می‌دهد که در راستای تحقق پایداری زیست‌محیطی، در سطح قانونگذاری یا رویه محاکم، عناصر طبیعت را صاحب حق دانسته و نمایندگانی برای پیگیری حقوق آن‌ها تعیین نموده‌اند.

در مجموع تحولات حقوق محیط زیست نشان می‌دهد شناسایی شخصیت حقوقی برای عناصر طبیعت تحول جدیدی در حوزه حقوق محیط زیست و توسعه پایدار بوجود آورده که به سرعت در جامعه بین‌المللی در حال گسترش می‌باشد. به طوری که بسیاری از دولت‌ها می‌توانند با بهره‌گیری از تجربه یادشده در این مسیر گام نهاده تا بسترهای لازم برای حمایت‌های بیشتر از محیط زیست در سرتاسر جهان فراهم گردد.

واژه های کلیدی: حقوق بین‌الملل، محیط زیست، توسعه پایدار، پایداری زیست‌محیطی، شخصیت حقوقی عناصر طبیعت.

۱- مرکز پژوهشی حوضه اقلیمی خزر- دانشگاه مازندران- بابلسر- ایران.

۲- استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر- ایران. * (مسئول مکاتبات)

Granting legal personality to the elements of nature in the light of sustainable development

Zahra sadat sharegh¹

Hossein Rezazadeh^{2*}

h.rezazadeh@umz.ac.ir

Admission Date: September 1, 2021

Date Received: April 10, 2021

Abstract

After World War II , the concept of sustainable development was introduced in order to balance the protection of the environment with the enjoyment of fundamental human rights, including the right to development; So that the exercise of human rights is not an excuse to destroy the environment. In fact, human beings realized that any damage to the environment ultimately endangers human beings and their dignity, and therefore, along with economic and social elements, environmental sustainability was identified as one elements of sustainable development. The present study seeks to examine how some governments, by identifying legal personality for the elements of nature, have taken steps towards environmental sustainability and ultimately the realization of sustainable development.

It is a type of basic research that is descriptive-analytical and using library resources as well as using electronic resources including books, articles, dissertations, official conferences related to the subject (regional and international)in Persian and English languages and after raising the issue and clarifying the hypotheses, the data in accordance with the research questions in national and international judicial documents and procedures(both Persian and Latin)have been searched, collected, summarized and analyzed.

One of the measures taken in recent years to environmental sustainability, has been recognized legal personality to the elements of nature. The practice of some countries, especially since 2008,shows that in order to achieve environmental sustainability, at the level of legislation or the procedure of the courts, the elements of nature have been recognized as rightful and representatives have been appointed to pursue their rights.

Overall, developments in environmental law show that the identification of legal personality for the elements of nature has created a new development in the field of environmental law and sustainable development that is rapidly expanding in the international community. So that many governments can use this experience to take this step to provide the necessary grounds for greater environmental protection around the world.

Key words: International law, Environment, Sustainable development, Environmental sustainability, Legal personality of elements of nature.

1- Research Center for the Caspian Region, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

2- Assistant Professor, Department of public law, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. **(Corresponding Author)*

مقدمه

بعد از جنگ جهانی دوم مسئله توسعه ابتدا به عنوان حق توسعه میان دولت‌ها مطرح گشت. در دهه ۱۹۶۰ دول در حال توسعه که به دنبال نظم نوین اقتصاد بین‌المللی بودند به عنوان یک حق بر توسعه اقتصادی و حاکمیت بر منابع طبیعی تاکید داشتند. متعاقباً حقوق جمعی یا همبستگی به عنوان نسل سوم حقوق بشر در دهه ۱۹۷۰ مطرح شد (۱). از مهم‌ترین ویژگی حقوق نسل سوم این است که تحقق آن تلاش همه عوامل اجتماعی از افراد، دولت‌ها و جامعه بین‌المللی را می‌طلبد (۲). به عبارت دیگر به دنبال تعمیم حقوق و تکالیف بین‌المللی به اشخاصی غیر از دولت‌ها می‌باشد (۳). در سال ۱۹۸۶ مجمع عمومی سازمان ملل، اعلامیه ملل متحد در مورد حق بر توسعه را به عنوان یکی از حقوق نسل سوم تصویب کرد.^۱ در این میان برای اینکه فعالیت‌های انسانی در راستای توسعه، اساساً بقای محیط زیست را با معرض زوال قرار ندهد، جامعه بین‌المللی توسعه پایدار را به منظور حفظ و حراست از محیط زیست در برابر فعالیت‌های انسانی مطرح نمود. مفهوم حفاظت از طبیعت در برابر توسعه اقتصادی به قرن هجدهم برمی‌گردد. اما توسعه پایدار در مفهوم نوین آن، محصول فعالیت‌های سازمان ملل متحد پس از جنگ جهانی دوم می‌باشد. ارتباط میان توسعه و محیط زیست اولین بار به طور رسمی در اعلامیه استکهلم (۱۹۷۲) مورد توجه قرار گرفت.^۲ با این حال در اعلامیه یادشده به صورت مستقیم به اصطلاح توسعه پایدار اشاره‌ای نگردید. متعاقباً کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه تشکیل گردید. یک سال پس از تصویب اعلامیه حق بر توسعه در سال ۱۹۸۷ کمیسیون یادشده گزارشی تحت عنوان "آینده مشترک ما" معروف به گزارش برانتلند را تهیه نموده که بر اساس آن توسعه پایدار را توسعه‌ای

می‌داند که نیازهای نسل فعلی را مرتفع می‌نماید بدون اینکه به توانایی نسل‌های آتی برای رفع نیازهایشان خدشه‌ای وارد نماید (۴). از زمان اعلامیه ریو (۱۹۹۲) پایداری زیست‌محیطی به طور رسمی به عنوان یکی از مولفه‌های توسعه پایدار مطرح گردید. اصل اول اعلامیه ریو با محور قرار دادن نوع بشر در حوزه توسعه پایدار، وی را مستحق حیاتی سالم و پویا در انطباق با طبیعت می‌داند. حتی اصل سوم با شناسایی حقوق نسل‌های آتی به نوعی بر حاکمیت دولت در بهره‌برداری از منابع طبیعی محدودیت وارد می‌نماید. و اصل چهارم حمایت از محیط زیست را بخش جدایی‌ناپذیر فرایند توسعه عنوان می‌دارد. در ریو پایداری زیست‌محیطی به یک پارادایم غیرقابل انکار در توسعه پایدار تبدیل شد. بیست سال پس از اعلامیه ریو مجدداً دولت‌ها و بازیگران غیردولتی در ریودوژانیرو (برزیل) گردهم آمدند تا فقر را کاهش، عدالت اجتماعی را ارتقا و حمایت از محیط زیست را تضمین نمایند (۵). حاصل اجلاس ریودوژانیرو گزارشی شد تحت عنوان "آینده‌ای که ما می‌خواهیم". کنفرانس یادشده همانند کنفرانس قبلی بر سه مولفه اصلی توسعه پایدار (توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی و پایداری زیست‌محیطی) تاکید کرده و با اذعان بر "اقتصاد سبز" در گزارش "آینده‌ای که می‌خواهیم" تصدیق نموده که هر کشوری به منظور دستیابی به توسعه پایدار ممکن است رویکرد و ابزارهای خود را داشته باشد اما می‌بایست ملاحظات زیست‌محیطی را در نظر گیرد (۶). به تعبیری، این کنفرانس بستری فراهم نمود تا کسانی که مایل به اقدام در راستای توسعه پایدار هستند در سطح جهانی فکر کنند و به صورت محلی عمل نمایند (۷). در سال ۲۰۱۵ در رابطه با توسعه پایدار مذاکرات جدیدی تحت نظر سازمان ملل با هدف تصویب یک سند الزام‌آور در مورد توسعه پایدار صورت گرفت. در نهایت، متن نهایی به صورت برنامه اقدام و با عنوان "تحول دنیای ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای اقدام جهانی" به تصویب رسید. برنامه اقدام یادشده دربرگیرنده ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف فرعی به منظور دستیابی به توسعه پایدار می‌باشد. اهداف جدید توسعه پایدار، درصدد هستند تا مسیر جدیدی برای دستیابی به

۱- به منظور مطالعه در مورد تفاوت حق توسعه با حق بر توسعه رک به:

Salimi Turkamani, Hojjat, (2019), Right to Development as a Human Right in the Context of International Energy Law, journal of Researches Energy Law Studies, Volume 4, Issue 2, 405-426. (in Persian)

۲- اصول ۴، ۱۳، ۱۵ و ۲۰ اعلامیه استکهلم به ارتباط میان توسعه و محیط زیست می‌پردازد.

شاخص‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی سنجیده می‌شود...^(۱۱). در دکترین نیز برخی توسعه را یک فرایند دانسته و معتقدند توسعه زمانی پایدار است که به‌طور مداوم وجود نظام اکولوژیک را حفظ و تضمین نماید اگر چنین نباشد توسعه-ناپایدار محسوب می‌شود^(۱۲). هیئت توسعه پایدار آکادمی علوم ایالات متحده آمریکا^۱ در گزارش خود تحت عنوان "سفر مشترک ما: گذر به سوی پایداری"^۲ عنوان می‌دارد برای تعریف توسعه پایدار باید مشخص شود چه چیزهایی می‌بایست توسعه یافته و پایدار بماند؟ گزارش اخیر تشریح می‌نماید برای تحقق توسعه پایدار سه گروه می‌بایست توسعه یابند: مردم، اقتصاد و جامعه. علاوه بر این سه چیز می‌بایست پایدار بماند: نظام طبیعت، نظام‌های حامی حیات و جامعه. (در این گزارش بر محیط‌زیست به‌عنوان نظام حمایت‌کننده حیات تاکید گردید.)^(۱۳)

برخی با جمع نظرات یادشده توسعه پایدار را نه تنها شامل تحقق توسعه و حفاظت از محیط‌زیست، بلکه معتقدند فرایند تحقق آن را نیز دربر می‌گیرد^(۱۴). به نظر نگارنده نیز نظر اخیر مقرون به صحت می‌باشد. سازمان ملل در سال ۲۰۱۵ سندی با عنوان "تحول دنیای ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای اقدام جهانی"^۳ را تصویب و در آن اهدافی که سازمان تا سال ۲۰۳۰ می‌بایست محقق نماید را مشخص می‌کند. این رویکرد نشان می‌دهد توسعه پایدار هم یک پروژه است و هم یک پروسه. همچنین در گزارش دبیرکل با عنوان "زندگی همراه با کرامت برای همه"^۴ به نظر می‌رسد به این ویژگی توسعه پایدار اشاره شده است. در این گزارش عنوان شده (ما باید هر کاری که می‌توانیم برای تحقق اهداف توسعه هزاره تا پایان سال ۲۰۱۵ انجام دهیم. اما این، پایان کار نیست و می‌بایست به منظور تامین رفاه، کرامت و حقوق نسل‌های آینده و افرادی که امروزه در حاشیه هستند همچنان تداوم داشته باشد...)^(۱۵) و لذا توسعه پایدار فرآیندی

توسعه پایدار تعبیه نمایند تا منافع نسل حاضر و آینده تامین شود (۸). امروزه دولت‌ها در راستای پایداری زیست‌محیطی «به‌عنوان یکی از مولفه‌های توسعه پایدار» اقدامات متعددی را اتخاذ نموده‌اند. از جمله اقداماتی که در سال‌های اخیر برخی دولت‌ها در راستای دستیابی به توسعه پایدار انجام داده‌اند شناسایی شخصیت حقوقی برای عناصر طبیعت بوده است؛ به-طوری که برخی دیگر از دولت‌ها از این اقدام الگو گرفته و درصد اقدام در این راستا می‌باشند و لذا جای خالی چنین پژوهشی در زبان فارسی بسیار محسوس می‌باشد. تحقیق حاضر به دنبال بررسی این مسئله است که چگونه برخی دولت‌ها با شناسایی شخصیت حقوقی برای عناصر طبیعت، در راستای توسعه پایدار گام برداشته‌اند. به منظور بررسی این موضوع ابتدا تعریف توسعه پایدار، سپس جایگاه آن در نظام حقوق بین‌الملل بررسی و در نهایت رویه دولت‌ها در اعطای شخصیت حقوقی بررسی می‌گردد.

تعریف توسعه پایدار

برخی اساساً مخالف تعریف توسعه پایدار بوده و معتقدند قدرت این مفهوم در ابهام و قابلیت انعطاف آن است. انعطاف این مفهوم اجازه می‌دهد تا مفهومی باز و دینامیک بوده و بتواند با شرایط مختلفی ورای زمان و مکان خاص انطباق یافته و از سطوح محلی تا بین‌المللی قابلیت تفسیر داشته باشد^(۹). شاید نظر گروه اخیر قرین به واقعیت باشد اما باید توجه داشت که تعریف برای تعیین حدودود یک مفهوم بوده و مانع انطباق یک مفهوم با نیازهای زمان و مکان نمی‌باشد. فقدان چهارچوب مفهومی برای توسعه پایدار، مبانی نظری و متعاقباً اجرای آن را با مشکل مواجه نموده و زمینه‌های سوءاستفاده از آن را فراهم می‌آورد. و لذا برای جلوگیری از سوءاستفاده و همچنین برای اجرای درست آن، می‌بایست بر یک چهارچوب مفهومی صحیح مبتنی باشد. بی‌تردید مهم‌ترین هدف توسعه پایدار در وهله اول تحقق توسعه و حفاظت از محیط‌زیست می‌باشد. به همین دلیل اینگونه تعریف شده: توسعه پایدار چهارچوبی است که میان پایداری زیست‌محیطی با نیاز بشر به توسعه تعادل برقرار می‌نماید^(۱۰). طبق ماده ۳ قانون اکولوژی مکزیک توسعه پایدار "فرآیندی است که با کمک به بهبود کیفیت زندگی انسان، با

- 1- the Board on Sustainable Development of the U.S. National Academy of Sciences
- 2- Our Common Journey: A Transition toward Sustainability.
- 3- transforming our world: the 2030 agenda for global action

تفسیر قانون دانمارک عنوان می‌دارد: (...حمایت از محیط زیست یک مقرر الزامی و از اهداف اصلی جوامع اروپایی است که این هدف محدودیت‌هایی را... بر نقل و انتقال آزاد کالا وارد می‌نماید.) (۲۴) همچنین در پرونده موسوم به پالایشگاه مدیترانه دیوان دادگستری اتحادیه اروپا به تفسیر دستورالعمل "مسئولیت زیست‌محیطی با ملاحظه پیشگیری و جبران خسارات زیست-محیطی" می‌پردازد. در این پرونده ایتالیا الزاماتی فراتر از دستورالعمل یادشده برای جبران خسارات زیست‌محیطی، بر خواندگان تحمیل نمود. دیوان در این مورد اذعان می‌دارد گرچه اقدامات سختگیرانه‌تری بر خواندگان تحمیل شده اما در دستورالعمل یادشده محدودیتی برای اعمال اقدامات سختگیرانه‌تر لحاظ نشده است (۲۵). تکرار حمایت از محیط-زیست در برابر فعالیت‌های صنعتی نشان می‌دهد دیوان دادگستری اتحادیه اروپا توسعه‌یابدار را به‌عنوان یک اصل حقوقی نقطه تعادل میان توسعه و محیط‌زیست می‌داند (۱۱). در پرونده آیرن راین دیوان دآوری با اتخاذ موضعی صریح، اذعان می‌دارد اصول در حال ظهور یا ظهوریافته حقوق محیط‌زیست مانند اصل توسعه‌یابدار و... اساساً به‌دنبال ادغام حفاظت از محیط‌زیست در فرایند توسعه می‌باشند. حقوق محیط‌زیست و حقوق مربوط به توسعه جایگزین یکدیگر نیستند بلکه یکدیگر را متقابلاً تقویت نموده و مکمل یکدیگرند. این رابطه مستلزم این است زمانی‌که توسعه منجر به خسارت جدی به محیط-زیست می‌شود تعهد به پیشگیری یا حداقل تقلیل چنین خسارتی وجود دارد. به نظر دادگاه چنین تعهدی امروزه یکی از اصول حقوق بین‌الملل عام^۲ می‌باشد (۲۶). به نظر نگارنده با توجه به موارد یادشده امروزه می‌توان توسعه‌یابدار را یک اصل کلی حقوقی محسوب نمود. اصول کلی حقوقی در واقع هنجارهای کلی هستند که بنیاد نظام حقوق بین‌الملل را تشکیل می‌دهند به‌طوری‌که روابط و مناسبات بین‌المللی بر مبنای آن استوار

تدریجی است که در هر مرحله برای آن اهدافی تعبیه شده و با شاخص‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی سنجیده می‌شود.

جایگاه توسعه‌یابدار در نظام حقوق بین‌الملل

پس از تعریف توسعه‌یابدار سوالی مهم این است که توسعه‌یابدار چه جایگاهی در هنجارهای حقوق بین‌المللی دارد؟ در دکترین حقوقی برخی توسعه‌یابدار را به‌عنوان یک هنجار حقوقی شناسایی نکرده و معتقدند یکی از ویژگی‌های اصول حقوقی این است که منشا ایجاد قواعد حقوقی می‌باشد. اما توسعه‌یابدار از قطعیت لازم برای ایجاد قواعد حقوقی برخوردار نیست لذا نمی‌توان آن را یکی از اصول کلی حقوق دانست (۱۶). یکی دیگر از منتقدان شناسایی توسعه‌یابدار به‌عنوان یک هنجار بین‌المللی معتقد است در مجموعه اسناد بین‌المللی هیچ دلیل قطعی وجود ندارد که این مفهوم را یک قاعده الزام‌آور یا بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی بدانیم (۱۷). در واقع اسناد مربوط به توسعه‌یابدار، اساساً از قدرت هنجارسازی برخوردار نبوده و نمی‌تواند بخشی از حقوق بین‌الملل عام باشند (۱۸). از طرف دیگر برخی از نویسندگان، توسعه‌یابدار را یکی از اصول کلی حقوقی می‌دانند (۱۹) (۲۰). به نظر می‌رسد رویه قضایی گرچه دارای ابهاماتی است اما جهت کلی آن، نظر اخیر را تایید می‌نماید. قاضی ویرامنتری توسعه‌یابدار را یک اصل اساسی می‌داند (۲۱) که گرچه در سال‌های اخیر در حقوق بین‌الملل مطرح شده اما در آینده نقشی اساسی در حل معضلات زیست‌محیطی خواهد داشت. وی در اهمیت توسعه‌یابدار آن را بخش جدایی‌ناپذیر حقوق بین‌الملل مدرن دانسته که اهمیت آن در حقوق بین‌الملل غیرقابل انکار می‌باشد. به نظر وی توسعه‌یابدار فراتر از یک مفهوم صرف؛ بلکه اصلی با ارزش هنجاری است (۲۲). دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده خمیر کاغذ با پرداختن به توسعه‌یابدار عنوان می‌دارد منافع دولت‌های ساحلی در مسائل فرامرزی، استفاده از منابع آبی و حفاظت از رودخانه می‌بایست در انطباق با اهداف توسعه‌یابدار صورت گیرد (۲۳). دیوان دادگستری اتحادیه اروپا نیز همواره حمایت از محیط‌زیست را مد نظر داشته است. دیوان یادشده در یکی از آرای خود در

1- Council Directive 2004/35/EC of the European Parliament and of the Council of 21 April 2004 on environmental liability with regard to the prevention and remedying of environmental damage.

2- Principle of general international law.

دنبال انعکاس این واقعیت است که مراقبت از مردم و زمین دو بُعد کاملاً مرتبط با یکدیگر هستند. ولذا فعالان و نهادهای اقتصادی در کنار تحقق توسعه انسانی می‌بایست از سیستم اکولوژیکی زمین نیز حراست نمایند. به نظر وی چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی به یکدیگر وابستگی متقابل دارند. نتیجه چنین نگرشی مفهومی جدیدی از توسعه پایدار ارائه می‌نماید (۳۰). اسناد بین‌المللی دیگری نیز وجود دارند که در آن‌ها محیط‌زیست به‌عنوان یکی از عناصر توسعه پایدار فی‌نفسه دارای ارزش محسوب شده است. چهار هدف از هفده هدف اصلی که در سند "تحول دنیای ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای اقدام جهانی" برای تحقق توسعه پایدار تعریف شده اساساً به محیط‌زیست مربوط می‌شود.^۳ قبل از تهیه سند "تحول دنیای ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای اقدام جهانی" یکی از مسائل مهم نحوه گنجاندن محیط‌زیست در آن سند بوده است. قبل از تدوین سند یادشده برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد (یونپ)^۴ در گزارشی به بررسی این موضوع پرداخت. در گزارش یونپ دو رویکرد در مورد گنجاندن محیط‌زیست مطرح گشت. مورد اول رویکرد منطقی و کلی^۵ بوده است. در کنفرانس ریو (۲۰۱۲) نیز دولت‌ها با صحنه بر این رویکرد، اعلام داشتند که طبق رویکرد منطقی و کلی اهداف باید اعلان و شامل هر سه بُعد توسعه پایدار «پایدار زیست‌محیطی، توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی» بوده و ارتباط متقابل آن‌ها می‌بایست به صورت متعادل و منطقی تنظیم گردد. (در واقع در این رویکرد هر یک از ابعاد در عین استقلال با یکدیگر ارتباط متقابل دارند) در مقابل یونپ اعلام می‌نماید ورای رویکرد یادشده، به‌دنبال

۳- هدف دوازدهم: تضمین الگوهای تولید و مصرف پایدار، هدف سیزدهم: اقدام فوری برای مبارزه با تغییر اقلیم و آثار آن، هدف چهاردهم: حفاظت و استفاده پایدار از اقیانوس‌ها، دریاها و منابع دریایی برای تحقق توسعه پایدار، هدف پانزدهم: حفاظت، اعاده و ترویج استفاده پایدار از اکوسیستم‌های زمینی، مدیریت پایدار جنگل‌ها، مبارزه با بیابان‌زایی، و توقف تخریب زمین و جلوگیری از تخریب تنوع زیستی.

Transforming our world: the 2030 agenda for sustainable development, A/RES/70/1, 2015.

4- United Nations Environment Programme (UNEP)

5- Rationale and Overarching approach

شده است (۲۷). با توجه به اینکه اصول کلی حقوقی یکی از منابع حقوق بین‌الملل می‌باشند که الزامات حقوقی برای دولت‌ها ایجاد می‌نمایند دولت‌ها می‌بایست نظام داخلی خود را در راستای پایبندی به آن تنظیم نمایند. از جمله اقداماتی که دولت‌ها در چهارچوب پایبندی به توسعه پایدار انجام داده‌اند شناسایی شخصیت حقوقی برای عناصر طبیعت بوده است. تا بدین‌گونه پایداری زیست‌محیطی به‌عنوان یکی از عناصر توسعه پایدار را محقق نمایند.

گذار از رویکرد انسان‌محور به رویکرد محیط‌زیست‌محور

در پرتو پایداری زیست‌محیطی

امروزه محیط‌زیست بمعنای مجموعه عواملی که زندگی و حیات انسان را احاطه کرده یکی از عناصر توسعه پایدار محسوب می‌شود (۲۸). و زمانی توسعه پایدار محقق می‌شود که عناصر تشکیل‌دهنده آن یعنی پایداری زیست‌محیطی، توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی تحقق یابد. مفهوم پایداری عموماً به این معناست که کاری در مدت زمان طولانی به‌طور مداوم انجام می‌گیرد بدون اینکه دارای آثار و تبعات غیرمنتظره باشد. تغییر اقلیم و سایر مخاطرات زیست‌محیطی که امروزه اتفاق می‌افتند نشان‌دهنده آثار و تبعات غیرمنتظره و به‌طور کل ناپایداری زیست‌محیطی می‌باشد (۲۹). منشور زمین از جمله اسنادی است که در آن به شرح زیر به محیط‌زیست پایدار اشاره شده است: ۱. احترام به زمین و حیات در تمام اشکال آن: الف. به رسمیت شناختن اینکه تمام موجودات به یکدیگر وابستگی متقابل داشته و هر شکلی از زندگی صرف نظر از ارزشی که برای انسان دارد، ارزشمند می‌باشد. ب. تصدیق اعتقاد به کرامت ذاتی همه انسان‌ها...^۱ همان‌طور که در اصول اساسی منشور زمین ملاحظه گردید بجای محوریت انسان، حیات و زندگی را محور قرار می‌دهد. بدین معنا که گرچه بر کرامت انسانی صحنه می‌گذارد با این حال انسان را بخشی از محیط‌زیست می‌داند. استیون راکفلر^۲، رئیس کمیته پیش‌نویس منشور زمین، با استناد به اصول اساسی منشور زمین عنوان نمود این سند به-

1- Earth charter (2000) available at:

<http://earthcharter.org/virtual-library2/the-earth-charter-text/>

2- Steven Rockefeller

خسارات وارد شده را جبران نماید. طراحان مقررہ اخیر هدف از وضع آن را "تغییر وضع اکوسیستم از یک مال به یک نهاد صاحب حق بر اساس قانون" عنوان داشتند. متعاقب اکوادور، بولیوی در سال ۲۰۰۹ در سطح قانون اساسی، حقوقی را برای اکوسیستم تعیین نمود. در راستای قانون اساسی، قانون مادر زمین بولیوی^۲ (۲۰۱۰) حقوقی را برای طبیعت به رسمیت شناخته است. از جمله این حقوق عبارتند از: حق حیات و موجود بودن، حق تداوم فرایندها و چرخه های حیاتی بدون مداخله انسانی، حق پاکیزه نگه داشتن آب و هوا... قانون بولیوی در سال ۲۰۱۲ با توسعه حقوق یادشده، از زمین به عنوان یک "سیستم زنده پویا"^۳ نام برده است (۳۲). همچنین دولت نیوزیلند در سال ۲۰۱۷ برای شناسایی و تضمین برخی حقوق برای رودخانه وانگانی^۴ شخصیت حقوقی قائل شد. در این راستا برای رودخانه نمایندگان قانونی یا نگهبانانی^۵ تعیین نمودند تا در صورت ورود خسارت به رودخانه، از طرف رودخانه به طرح دعوا پرداخته و خواستار جبران خسارت شوند (۳۳). البته قبل از آن نیز در نیوزیلند شناسایی شخصیت حقوقی برای عناصر طبیعت مسبوق به سابقه بوده است. در سال ۲۰۱۴ دولت نیوزیلند برای پارک ملی تی آرورا^۶ که بخشی از جنگل طبیعی است همین وضعیت را نهادینه نمود. در قانون اخیر مقرر شده "هدف از وضع این قانون ایجاد و حفظ دائمی یک نهاد حقوقی برای تی آرورا بعلت ارزش ذاتی، ارزش های طبیعی و فرهنگی متمایز آن است." و در نهایت در بخش یازدهم به صراحت بر شخصیت حقوقی آن صحنه می گذارد (۳۴).

در رابطه با رویه قضائی اولین پرونده ی مطروح، به کشور اکوادور مربوط می شود. این پرونده در سال ۲۰۱۱ توسط ریچارد ویلر و النور هادل بر علیه دولت محلی اکوادور^۷ مطرح گردید. در این پرونده به ادعای خواهان ها پروژه توسعه جاده توسط دولت محلی منجر به نصف شدن عرض رودخانه و دو برابر شدن

رویگردی می باشد که ارتباط میان اجزای آن سیستمیک یا نظام مند باشد. لذا رویکرد جامع را پیشنهاد^۱ نمود. در این رویکرد ابعاد توسعه پایدار یکدیگر را تقویت و تکمیل می نمایند و ارتباط اجزا بگونه ای است که گویی در یکدیگر تنیده شده اند و نادیده انگاشتن هر کدام کل سیستم یا نظام را زیر سوال می برد. به همین دلیل یونپ معتقد است نقض حقوق محیط زیست می تواند تحقق توسعه پایدار در تمام سطوح آن را با مخاطره جدی روبرو نماید (۳۱). یکی از اندیشمندان با درک صحیح از ارتباطی که میان مولفه های توسعه پایدار (اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) وجود دارد عنوان می کند: (نادیده انگاشتن تغییر اقلیم در نهایت منجر به افزایش خسارات اقتصادی می گردد) (۲۹). به نظر نگارنده آنچه در اینجا حائز اهمیت می باشد این است که پایداری زیست محیطی به عنوان یکی از عناصر توسعه پایدار فی نفسه ارزشمند می باشد چراکه نادیده انگاشتن آن، با توجه به رویکرد اخیر، سایر عناصر توسعه پایدار را نیز تحت تاثیر قرار داده و اساساً تحقق توسعه پایدار را ناممکن می سازد. ولذا با توجه به اهمیت آن دولت ها روش هایی برای پایداری زیست محیطی در پیش گرفته اند که از جمله آن شناسایی شخصیت حقوقی برای عناصر طبیعت می باشد.

اعطای شخصیت حقوقی به عناصر طبیعت در پرتو نظام

قانونگذاری و رویه قضائی

اعطای شخصیت حقوقی به عناصر طبیعت در سال های اخیر هم در قانونگذاری دولت ها و هم در رویه قضائی به چشم می خورد. در ادامه ابتدا نظام تقنینی دولت ها سپس رویه قضائی در این مورد بررسی می گردد. اکوادور از جمله اولین دولت هایی محسوب می شود که در سال ۲۰۰۸ به طور رسمی در قانون اساسی خود اعلام نمود طبیعت یک شخص حقوقی است. مواد ۱۰ و ۷۱ تا ۷۴ قانون اساسی اکوادور حقوق ذاتی اکوسیستم را شناسایی و به افراد اجازه می دهد که در صورت وقوع خسارت، از طرف اکوسیستم به طرح دعوا بپردازند. دولت نیز در مقابل ملزم است که در صورت نقض حقوق طبیعت (شامل حق وجود داشتن، حفظ و بازسازی چرخه حیاتی آن، فرایند تکامل آن و...)

2- Law of Mother Earth (2010)

3- living dynamic system

4- Whanganui River

5- Guardians

6- Te Urewera

7- Wheeler c. Director de la Procuraduria General Del Estado de Loja (2011)

1- integrated approach

گامی موثر در راستای کاهش آلودگی آن برداشته شود. طبق نظر دادگاه مدیر کل پروژه گنگ، دبیرکل ایالت اوتاراکنند و دادستان نمایندگان قانونی گنگ محسوب شده و می‌توانند از طرف آن، به استیفای حقوقش از جمله طرح دعوا در دادگاه بپردازند (۳۷). در مورد با جنگل آمازون (۲۰۱۸) نیز پرونده دیگری در این رابطه یاد شده است. این پرونده توسط ۲۵ نفر (با طیف سنی ۷ تا ۲۶) بر علیه دولت کلمبیا مطرح گردید. در این پرونده نیز خواهان‌ها به حق بر محیط زیست سالم استناد نمودند. در پرونده یادشده نماینده خواهان‌ها «که یک سازمان حقوق بشری بوده است» سوای حقوق خواهان‌ها، به حق جنگل آمازون نیز تاکید می‌نماید. دادگاه در ابتدا تصریح می‌نماید که جنگل‌زدایی به‌عنوان منبع کلیدی انتشار گازهای گلخانه‌ای منجر به تغییر اقلیم می‌شود. تغییر اقلیم نیز اکوسیستم را از بین برده و موجبات نابودی زمین را فراهم می‌نماید. همچنین دادگاه می‌افزاید که بدون داشتن یک محیط سالم به‌طور کل موجودات زنده قادر به ادامه حیات نخواهند بود (۳۸). نکته مهم رای یادشده این است که دیوان عالی کلمبیا برای جنگل آمازون شخصیت حقوقی قائل شده و لذا دولت کلمبیا را از حیث حقوقی متعهد به حفاظت و بازسازی آن می‌داند. در این راستا دادگاه از رئیس جمهور، وزیر محیط‌زیست و وزارت کشاورزی می‌خواهد که برنامه اقدامی که مستلزم همکاری با گروه‌های بومی می‌باشد را طراحی و اعمال نمایند (۳۹). در راستای این تحولات دادگاه عالی بنگلادش نیز در ژانویه ۲۰۱۹ وضعیت "شخص حقوقی" را برای رودخانه توراک به رسمیت شناخته است تا در چهارچوب قانونی حمایت‌های لازم از رودخانه یادشده به عمل آید (۴۰).

با تمام این تفاسیر صرف شناسایی عناصر طبیعت به‌عنوان شخص حقوقی مستقل، برای حمایت از آن‌ها کافی نمی‌باشد. به عبارتی برای اجرایی شدن حقوق عناصر طبیعت در جامعه می‌بایست زیرساخت‌های لازم در جامعه فراهم گردد: اول می‌بایست شخص یا اشخاصی معین شوند تا به‌عنوان نمایندگان قانونی از طرف عناصر طبیعت اقدام نمایند. دوم برای اجرایی شدن حقوق عناصر طبیعت باید تمهیدات لازم در جامعه اندیشیده شود تا نمایندگان قانونی و مردم حقوق و تکالیف

سرعت حرکت آب گردید. همچنین پروژه اخیر بدون ارزیابی آثار زیست‌محیطی و کسب نظر ساکنان محلی انجام شد. دو تن از ساکنان محلی به استناد نقض حق طبیعت بر علیه دولت محلی طرح دعوا نمودند. دادگاه ضمن صدور حکم بر علیه دولت محلی عنوان داشت طبق قانون اساسی زمانی که حق طبیعت با حقی دیگر در تزامن باشد حق طبیعت اولویت دارد. بدین ترتیب بر حق طبیعت به‌طور مستقل صحه گذاشت. در همان سال ۲۰۱۱، پرونده دیگری در اکوادور مطرح شد، که در مورد حفاری غیرقانونی معدن طلا بوده است. به نظر دادگاه حفاری غیرقانونی منجر به آلودگی رودخانه مجاور و به‌تبع آن، نقض حق طبیعت (پاکیزه نگه داشتن آب) گردید. متعاقبا با صدور حکم، نیروهای نظامی دولتی در منطقه حاضر و ابزارها و ماشین‌های حفاری معدن را نابود نمودند (۳۲). در سال ۲۰۱۶ دادگاه قانون اساسی کلمبیا رودخانه آتراتو را به‌عنوان صاحب حق شناسایی می‌نماید. در رای اخیر دادگاه عنوان می‌دارد رودخانه آتراتو و حوزه‌های آبریز آن از حقوق حمایت، حفاظت و بازسازی توسط دولت و گروه‌های قومی برخوردار می‌باشد (۳۵) همچنین حفاظت از گروه‌های محلی اطراف رودخانه آتراتو منوط به شناسایی شخصیت حقوقی رودخانه می‌باشد. در واقع دادگاه معتقد است میان منابع طبیعی با فرهنگ گروه‌های محلی و مردمان بومی ارتباط متقابل وجود دارد. و لذا دادگاه تاکید می‌نماید که رویکرد محیط زیست‌محور (اکوسنتریک) ذاتا منجر به حراست از اشکال مختلف حیات و فرهنگ بشری می‌شود (۳۶). در واقع دادگاه پذیرش دعوا را منوط به آسیب انسانی ندانسته و به‌طور ضمنی تایید می‌نماید که خسارات زیست‌محیطی در بلند مدت حیات انسانی را با مخاطره مواجه می‌نماید. مورد دیگری که در سال‌های اخیر به‌عنوان شخص حقوقی شناسایی شد رود گنگ می‌باشد. با این حال ورود زباله‌های صنعتی و فاضلاب‌های تصفیه نشده موجبات آلودگی رود گنگ را فراهم نمود. در راستای مبارزه با آلودگی رود گنگ دادگاه عالی ایالت اوتاراکنند^۱ در هندوستان در سال ۲۰۱۷ از رود گنگ به‌عنوان یک شخص مستقل حقوقی نام می‌برد تا

توانند به‌عنوان یک شخصیت حقوقی مستقل در دادگاه حضور یافته و به طرح دعوا بپردازند. همچنین بواسطه شخصیت حقوقی می‌توانند دارای اموال و دارایی بوده و به انعقاد قرارداد با سایر اشخاص نیز بپردازند. علاوه بر این در صورت نقض قاعده حقوقی و آسیب به سایر اشخاص، ممکن است طرف دعوا قرار گیرند. ولذا موارد یادشده ظرفیت‌هایی است که در چهارچوب شخصیت حقوقی برای نهادهای اعتباری تعبیه می‌شود. البته این مسئله که برای چه نهادهایی می‌توان شخصیت حقوقی اعتبار نمود بستگی به ارزش‌های اجتماعی دارد که در چهارچوب آن نظام حقوقی شناسایی شده‌اند. به تعبیر یکی از نویسندگان هر چیزی که دارای منافع مهم اجتماعی بوده و نیازمند یا سزاوار حمایت‌های قضائی است می‌تواند به‌عنوان شخصیت حقوقی شناسایی شود حتی اگر نمود خارجی و عینی نداشته و صرفاً در اذهان کسانی باشد که به آن اعتقاد دارند (۴۲). ولذا ارزش‌های اجتماعی یک نظام حقوقی، در این زمینه بسیار تعیین کننده می‌باشد. برای مثال در نظام حقوقی هندوستان برای برخی خدایان (بت‌های) هندو شخصیت حقوقی قائل شده‌اند. ولذا آن‌ها می‌توانند صاحب اموال و دارایی شده و دارای نمایندگانه حقوقی باشند (۴۳)

در گذشته طبیعت و عناصر آن صرفاً دارای بشر محسوب می‌شدند؛ در این راستا حتی امروزه بعضاً محاکم بین‌المللی با رویکردی انسان‌محورانه (در چهارچوب صلاحیت خود) زمانی خسارات زیست‌محیطی را شناسایی می‌نمایند که این خسارت اولاً جدی و قریب‌الوقوع باشد ثانیاً حیات، سلامت و اموال شخصی شاکی را تهدید نماید. (۴۴). امروزه با تحول در برخی ارزش‌های اجتماعی، برخی دولت‌ها با تغییر جهان‌بینی سنتی و پی بردن به اهمیت محیط زیست در روند توسعه پایدار، برای آن‌ها شخصیت حقوقی مستقلی قائل شدند. در واقع دولت‌های یادشده در این رابطه رویکردی کنش‌گرایانه^۱ اتخاذ نمودند. بدین معنا که دولت‌ها بجای واکنش^۲ به آسیب‌های زیست‌محیطی پس از ورود خسارت، با شناسایی شخصیت حقوقی به نوعی بسترهای لازم برای پیشگیری از هرگونه ورود خسارت را فراهم

عناصر طبیعت را بشناسند. سوم از مهم‌ترین آثار شناسایی شخصیت حقوقی برای عناصر طبیعت، امکان طرح دعوا در محاکم می‌باشد. طرح دعوا در محاکم نیز نیازمند تخصیص منابع مالی لازم و بهره‌مندی از افراد متخصص «اعم از حقوقدان و متخصص در حوزه‌های زیست‌محیطی» است. چهارم نمایندگانی که به دنبال استیفای حقوق عناصر طبیعت هستند می‌بایست در چهارچوب قانون، مستقل از دولت و قوای اجرایی باشند تا بتوانند در برابر پروژه‌های صنعتی که توسط دولت انجام می‌گیرد از اختیارات لازم برخوردار و بتوانند از محیط زیست در برابر پروژه‌های یادشده حمایت نمایند (۴۱). بنابراین ظرفیت‌های لازم برای اجرایی شدن حقوق عناصر طبیعت می‌بایست مهیا گردد. برای مثال دولت نیوزیلند ۳۰ میلیون دلار نیوزیلند برای سلامت، پاکیزگی و در صورت نیاز طرح دعوا از طرف رودخانه وانگانی اختصاص داده است اما دولت هند همچنین تمهیداتی برای رود گنگ نیاندیشیده است. در این صورت تاثیر حقوقی شناسایی شده و اختیارات نمایندگان محدود و علیرغم شناسایی حقوق عناصر طبیعت، امکان استیفای حقوق یادشده با موانع جدی روبرو می‌باشد (۴۰).

تحلیل شخصیت حقوقی عناصر طبیعت

امروزه در نظام‌های حقوقی افراد به‌عنوان شخص حقیقی شناسایی و دارای حقوق بنیادین می‌باشند. در گذشته تمام افراد بشر دارای شخصیت حقیقی نبوده‌اند. به گواه تاریخ در برهه‌هایی زنان، کودکان و بردگان به‌عنوان افراد صاحب حق محسوب نمی‌شدند. ولذا لحاظ نمودن شخصیت حقیقی برای تمام افراد بشر سال‌های متمادی زمان برده است. به همین صورت اعطای شخصیت حقوقی به برخی نهادها در گذر زمان تکامل یافته است؛ در این مورد اعطای شخصیت حقوقی به دولت‌ها تا شخصیت حقوقی شرکت‌ها در نظام‌های داخلی را می‌توان مثال زد. اعتبار نمودن شخصیت حقوقی، به نهادهای غیر انسانی فرصت می‌دهد متناسب با ماهیت خود، حقوقی را کسب نموده و متقابلاً در برابر دیگران دارای تکلیف و مسئولیت حقوقی نیز باشند. در این راستا نهادهای دارای شخصیت حقوقی در صورتیکه از رفتار دیگران متضرر شده باشند می‌-

1- proactive
2- reactive

برای مقابله با آن را فراهم آورده و زمینه‌های لازم برای پایداری زیست محیطی و تحقق توسعه پایدار را مهیا می‌نماید (۴۰). البته پروفیسور شلتون عنوان می‌دارد که باید میان اموال یا وقف عام با اعطای شخصیت حقوقی به عناصر طبیعت تفکیک قائل شویم. عناصر طبیعت که به‌عنوان اموال عامه تعیین می‌شوند در واقع برای نفع مردم می‌باشد درحالی‌که اعطای شخصیت حقوقی به علت ارزش ذاتی طبیعت انجام می‌شود. تا در پرتو آن افراد در برابر طبیعت متعهد باشند (۳۲). طرفداران اعطای شخصیت حقوقی به عناصر طبیعت معتقدند تعبیه یک "شخص" جدید به‌طور رسمی و قانونی، منجر به شناسایی ارزش ذاتی طبیعت می‌گردد.

نتیجه

با توجه به اینکه دولت‌ها عموماً در راستای دستیابی به توسعه، سلامت و بقای محیط‌زیست را در معرض خطر قرار دادند، جامعه بین‌المللی توسعه پایدار را به منظور حفظ و حراست از محیط زیست در برابر فعالیت‌های انسانی مطرح نمود. با تلاش‌هایی که طی چند دهه اخیر در جامعه بین‌المللی صورت گرفت تحقق توسعه پایدار، مستلزم توجه به سه عنصر توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی و پایداری زیست‌محیطی است. جامعه بین‌المللی دریافت که ارتباط میان عناصر یادشده ارتباطی نظام‌مند می‌باشد و لذا هرگونه خسارت به محیط‌زیست در طولانی مدت، انسان را متضرر می‌نماید؛ بدین معنا که رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی انسان با حراست از محیط‌زیست گره خورده است. به عبارت دیگر توسعه انسانی محقق نمی‌شود مگر در پرتو حفاظت از محیط‌زیست. در سال‌های اخیر به منظور دستیابی به پایداری زیست‌محیطی فعالیت‌های متعددی صورت گرفته است. درج حمایت از محیط‌زیست در اسناد داخلی و بین‌المللی از جمله این فعالیت‌ها به شمار می‌آید. اما از مهم‌ترین اقداماتی که در سال‌های اخیر در این رابطه انجام شده شناسایی شخصیت حقوقی برای عناصر طبیعت بوده است. دولت اکوادور در سال ۲۰۰۸ در قانون اساسی خود برای طبیعت شخصیت حقوقی قائل شد. پس از اکوادور دولت‌های دیگری نیز، همین رویه را در پیش گرفتند. دولت نیوزیلند برای

می‌نمایند (۴۵). در کنار موافقان اعطای شخصیت حقوقی به عناصر طبیعت، این دکترین مصون از انتقاد باقی نماند. در این راستا عنوان شده اعطای برخی حقوق به طبیعت (از طریق شناسایی شخصیت حقوقی) منجر به تشبیه طبیعت به انسان می‌شود؛ در حالیکه اساساً طبیعت با انسان تفاوت دارد. و نظام حقوقی هر کدام از آن‌ها باید با توجه به اقتضای ذات آن‌ها تعریف گردد. البته در پاسخ به این انتقاد به شخصیت حقوقی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل و شرکت‌ها در نظام‌های داخلی می‌توان اشاره نمود. همچنین ایراد دیگری که بر این دکترین وارد شده برمی‌گردد به زمانی که برای بخشی از طبیعت یک منطقه اهلیت کسب حقوق را می‌پذیرند؛ این مسئله منجر به تکه‌تکه شدن حمایت قانون از طبیعت می‌شود. بدین معنا که بخشی از طبیعت در حمایت قانون قرار می‌گیرد و اما بخش دیگر خارج از حیطه حمایت‌های قانونی قرار دارد (۳۲). این مشکل زمانی بیشتر نمایان می‌گردد که بخشی از طبیعت در خاک یک کشور و بخش دیگر در سرزمین دولتی دیگر باشد. البته در صورت همکاری و هماهنگی زیست‌محیطی میان کشورها، این ایراد نیز قابل رفع می‌باشد. شاید با توجه به همین ملاحظات است که گرچه منشور طبیعت یا اعلامیه جهانی حقوق حیوانات^۱ به ارزش ذاتی نظام طبیعت اشاره دارند اما هیچ سند رسمی در نظام بین‌المللی تاکنون بر این روش (اعطای شخصیت حقوقی) صحنه نگذاشته در مقابل از جمله دلایل شناسایی شخصیت حقوقی برای عناصر طبیعت در دکترین اینگونه عنوان شده، با توجه به اینکه دولت‌ها به اهمیت نقش محیط‌زیست در توسعه پایدار پی‌برده‌اند به دنبال تعبیه نهادی حقوقی بوده‌اند که آنقدر تاثیرگذار باشد که صدای طبیعت در پرتو آن شنیده شود. لذا شخصیت حقوقی مستقل آن‌ها را به رسمیت شناخته و نمایندگان قانونی با اختیارات لازم برای آن‌ها تعیین کرده‌اند. تا طبیعت بتواند به‌طور مستقل (بدون نیاز به ورود خسارت انسانی) حقوق خود را استیفا نماید. این نهاد حقوقی هم منجر به پیشگیری از ورود خسارت به طبیعت و هم در صورت بروز خسارت، حمایت‌های حقوقی لازم

1- Universal Declaration of Animal Rights(2014)

- Journal of International Law, vol. 53(1), 26-46.
2. Vasak, Karel. 1977. A 30-Year Struggle: The Sustained Effort to Give Force of Law to the Universal Declaration of Human Rights, UNESCO Courier, vol. 30(11), 1-36.
 3. Shah Mohammadi, Niloufar. The position of the third generation of human rights in international documents, Master Thesis, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Faculty of Law and Political Science, 2011, pp.25-26.
 4. UN. Doc. A/42/427, 1987.
 5. Brochure of the Rio+20 United Nations Conference on Sustainable Development, Rio de Janeiro, Brazil, 2012.
 6. UN document, A/RES/66/288, 2012.
 7. Helen Clark, What does Rio+20 mean for sustainable development?, Lecture at Lincoln University, New Zealand, 20 August 2012. Available at: <https://www.undp.org/content/undp/en/home/ourperspective/ourperspectivearticles/2012/08/21/what-does-rio-20-mean-for-sustainable-development-helen-clark.html>
 8. Velásquez Serna, Johanna. "Operationalization of sustainable development in the international legal instruments", LL.M in Natural Resources Law and International Environmental Law, University of Iceland, 2015, p.18.
 9. W. Kates, Robert. 2005. Thomas M. Parris, and Anthony A. Leiserowitz, What Is Sustainable Development? Goals, Indicators, Values, and Practice, Environment: Science and Policy for Sustainable Development, vol. 47(3), 8-21.

رودخانه وانگانی و کلمبیا برای رودخانه آتراتو و جنگل آمازون همین نهاد حقوقی را تعبیه نمودند. به نظر می‌رسد که سایر دولت‌ها نیز می‌توانند با الگوبرداری از دولت‌های فوق‌الذکر برای عناصر طبیعت شخصیت حقوقی قائل شده و برای آن‌ها نماینده تعیین نمایند تا در صورت نقض حقوق عناصر طبیعت، به نمایندگی از آن، بتوانند طرح دعوا نموده و جلوی آسیب به محیط‌زیست را بگیرند. در مجموع تحولات حقوق محیط‌زیست نشان می‌دهد شناسایی شخصیت حقوقی برای عناصر طبیعت تحول جدیدی در حوزه حقوق محیط‌زیست و توسعه پایدار وجود آورده که به سرعت در جامعه بین‌المللی در حال گسترش می‌باشد. برای نمونه دولت کانادا به دنبال اعطای شخصیت حقوقی به دریاچه وینیپگ^۱ می‌باشد. همچنین دولت استرالیا به دنبال شناسایی رودخانه یارا^۲ به‌عنوان یک شخص حقوقی می‌باشد. گرچه تاکنون رودخانه یارا به‌عنوان یک شخص حقوقی مستقل شناسایی نکرده اما در قانون حمایت از رودخانه یارا (۲۰۱۷) از آن به‌عنوان "یک موجود طبیعی زنده و یکپارچه" یاد شده است. ولذا سایر دولت‌ها می‌توانند با بهره‌گیری از تجربه یادشده در این مسیر گام نهاده تا بسترهای لازم برای حمایت از محیط زیست در سرتاسر جهان فراهم گردد.

تشکر و قدردانی

در نهایت بدین وسیله از صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور (معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری) به منظور حمایت از این مقاله و پروژه "واکاوی تعهدات زیست محیطی دولت‌های حاشیه دریای خزر در کنوانسیون آکتائو در پرتو دکترین امنیت انسانی" (با شماره ۹۹۰۲۷۵۱۵) تشکر می‌نمائیم.

References

1. Drzewicki, Krzysztof. 1984. The Rights of Solidarity- the Third Revolution of Human Rights, Nordic

1- Lake Winnipeg
2- Yarra River

- Oxford Scholarship Published in print September 1999, Published online March 2012.
19. Vardi, Noah, and Zeno-Zencovich, Vincenzo. 2004. From Rome to Nice: A Historical Profile of the Evolution of European Environmental Law, the penn state environmental law review, vol. 12(1).
 20. Azizi, Sattar, Seyyed Mahdi Mousavi. Gabčíkovo-Nagymaros Project Case: The Role of the International Court of Justice in Highlighting the Concept of Sustainable Development, International Law Review, 2017, Volume 33(55), 109-134. (In Persian)
 21. Mirmohammadi, Mostafa, Mohammadreza Jahanipour. Principles of Sustainable Development in the Jurisprudence of the International Court of Justice and the International Tribunal for the Law of the Sea, Comparative Law Review, 2018, Volume 8(2), 799-819. (In Persian)
 22. ICJ report, Separate opinion of vice-president Weeramantry, Case concerning the gabcikovo-nagymaros project, Hungary v. Slovakia, 1997.
 23. ICJ report, Separate opinion of judge Cançado trindade, Pulp mills on the river Uruguay, Argentina v. Uruguay, 2010.
 24. ECJ, Commission v .Denmark, Case no. 302/86, 1988.
 25. ECJ, Polimeri Europa SpA and Syndial SpA v Ministero dello Sviluppo economico and Others, Case C-378/08, 9 March 2010.
 26. Reports of international arbitral awards, Arbitration regarding the Iron Rhine ("Ijzeren Rijn") Railway, the kingdom of Belgium v. The kingdom of the Netherlands, 2005.
 10. Ross, Andrea. 2009. Modern Interpretations of Sustainable Development, journal of law and society, vol. 36(1), 32-54.
 11. A.Avilés, Luis. 2014. Sustainable development and environmental legal protection in the European Union: a model for mexican courts to follow?, Mexican law review, vol. 6(2), 251-272.
 12. Bosselmann, Klaus. 2008. "the Principle of Sustainability Transforming Law and Governance", 1st ed , Routledge, p.52.
 13. National Research Council, Policy Division, Board on Sustainable Development, Our Common Journey
 14. William E.Rees, Defining sustainable Development, CHS Research Bulletin, May 1989. Available at:https://scarp.ubc.ca/sites/scarp.ubc.ca/files/1989%20May_Defining%20Sustainable%20Devt_Rees.pdf
 15. Transforming our world: the 2030 agenda for global action
 16. Gillroy, John Martin. 2006. Adjudication Norms, Dispute Settlement Regimes and International Tribunals: The Status of "Environmental Sustainability" in International Jurisprudence, Stanford journal of international law, vol. 42(1), 1-52.
 17. Shahbazi, Aramesh. "Sustainable Development" or the "Sustainability of Development" in International Law, International Law Review, 2010, Volume 27(42), 125-139.(In Persian)
 18. Vaughan Lowe, "Sustainable Development and Unsustainable Arguments", in Boyle, A., and D. Freestone. 2012. "International Law and Sustainable Development: Past Achievements and Future Challenges",

- Zealand, VertigO - la revue électronique en sciences de l'environnement [En ligne], iss. 22, 1-19.
35. Colombia Constitutional Court, Ruling T-622, 2016, Expediente T-5.016.242, 2018.
 36. ABColombia, Colombian Constitutional Court sets a Global Precedent, 2017, last seen at 10 November 2020, available at: <https://www.abcolombia.org.uk/constitutional-court-sets-global-precedent/>
 37. Trivedi and Jagati, Uttarakhand HC declares Ganga, Yamuna living entities, gives them legal rights, 2017, last seen at 22 September 2019, available at: <https://www.hindustantimes.com/india-news/uttarakhand-hc-says-ganga-is-india-s-first-living-entity-grants-it-rights-equal-to-humans/storyVoI6DOG71fyMDihg5BuGCL.html>
 38. moloney, Anastasia, Colombia's top court orders government to protect amazon forest in landmark, 2018, last seen at 10 November 2020, available at: <https://www.reuters.com/article/us-colombia-deforestation-amazon/colombias-top-court-orders-government-to-protect-amazon-forest-in-landmark-case-idUSKCN1HD21Y>
 39. Schmidt, Stephen, Colombian high court grants personhood to Amazon rainforest in case against country's government, 2018, last seen at 10 November 2020, available at: <https://www.pri.org/stories/2018-05-06/colombian-high-court-grants-personhood-amazon-rainforest-case-against-country-s>
 27. Mahmoudi, Zahra, The Nature of the General Principles of Law and Their Functions in International Law, International Law Review, 2018, Volume 35(58), 329-364. (In Persian)
 28. Mir Abbasi, Seyed Baqer, Rozi Mir Abbasi, "The place of the principle of sustainable development in the realization of human rights from the perspective of international law", 1st Edition, Tehran: Jangal Publications, Javadaneh, 2016, p.35. (In Persian)
 29. Stern, Nicholas. 2006. "The Economics of Climate Change (The Stern Review)", Cambridge University Press, summary of Conclusions.
 30. Clugston, Rick. 2010. Earth Charter Education for Sustainable Ways of Living, Journal of Education for Sustainable Development, vol. 4(2), 157-166.
 31. UNEP, Embedding the Environment in Sustainable Development Goals, Post-2015 Discussion Paper 1, Version 2, 19 July 2013
 32. Shelton, Dinah, .2015. Nature as a legal person, VertigO - la revue électronique en sciences de l'environnement [En ligne], iss. 22, 1-19.
 33. Colwell, Renata, Savannah Carr-Wilson, (2017), Legal Personality of Natural Features: Recent International Developments and Applicability in Canada, Environmental law center. 1-31. Available at: http://www.elc.uvic.ca/wordpress/wp-content/uploads/2018/05/2017-02-03-LegalPersonalityNatural-Features_web-version.pdf
 34. J. Iorns Magallanes, Catherine. 2015. Nature as an Ancestor: Two Examples of Legal Personality for Nature in New

43. Supreme Court of India, Yogendra Nath Naskar v. Commission of Income-Tax. 1969 AIR 1089, SCR (3)742, 1969. Available at: <https://indiankanoon.org/doc/1874024/>
44. ECtHR, Case of kyrtatos v. Greece, application no.41666/98, 2003.
45. Davies, Green, Environment: The Concept of Legal Personality – From Companies to Natural Entities?, 2017, last seen at 10 November 2020, available at: <https://www.latham.london/2017/04/environment-the-concept-of-legal-personality-from-companies-to-natural-entities/>
40. Eckstein, Gabriel, Ariella D'Andrea, Virginia Marshall, Erin O'Donnell, Julia Talbot-Jones. 2019. "Conferring legal personality on the world's rivers: A brief intellectual assessment", Water International, vol.1, p.16.
41. O'Donnell, Talbot-Jones, Three rivers are now legally people – but that's just the start of looking after them, 2017, last seen at 10 November 2020, available at: <https://theconversation.com/three-rivers-are-now-legally-people-but-thats-just-the-start-of-looking-after-them-74983>
42. Nékam, Alexander. 1938. the Personality Conception of the Legal Entity, Cambridge: Harvard University Press, p.33.